

ذکر دائمی و اثر آن در نیکی کردار

قال الامام علی - علیه السلام -:

مَنْ عَمَرَ قَلْبَهُ بِدَاوَمِ الذِّكْرِ حَسُنَتْ اَعْمَالُهُ فِي السَّرِّ وَالْجَهْرِ .

تصنیف غرر الحکم، ۱۸۹، ح ۳۶۵۸

امام علی - علیه السلام - فرمودند:

کسی که دل خویش را با دائم الذکر بودن آباد گرداند، خداوند افعال او را در نهان و آشکار، نیکو می گرداند .

نکته:

۱. با یاد خدا انسان از گناه دور می شود و این دروی از معصیت، کردار را از آفت و آلودگی حفظ می کند.

۲. ذکر خدا انسان را بر انجام نیکی ها بر می انگیزاند و دلیل آن این است که ذاکر هنگام ذکر چاره ای جز تحلی و آراستگی به صفات الله ندارد و الا ذکر او باطل خواهد بود.

کدام خانواده نور چشمی خدا است؟

رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا فَكَبَّرَهُمْ فِي الدِّينِ وَوَفَّرَ صَغِيرَهُمْ كَبِيرَهُمْ وَرَزَقَهُمُ الرِّقْفَ فِي مَعِيشَتِهِمْ وَالْقَصْدَ فِي نَفَقَاتِهِمْ وَبَصَّرَهُمْ عُيُوبَهُمْ فَيَتَوَبُّوا مِنْهَا؛

هرگاه خداوند برای خانواده ای خیر بخواهد آنان را در دین دانا می کند، کوچک ترها بزرگ ترهایشان را احترام می نمایند، مدارا در زندگی و میانه روی در خرج روزیشان می نماید و به عیوبشان آگاهشان می سازد تا آنها را برطرف کنند.

نهج الفصاحه، ص ۱۸۱، ح ۱۴۷

*نکته:

خانواده ای که از چشم خدا افتاده این ویژگی ها رو داره:

۱. اصلا از دین بدشان می آید.

۲. بچه احترام بزرگترها رو نداره و بالعکس.

۳. آگه کسی تو خونه عبادت کنه مسخره اش می کنند.

۴. آگه کسی دنبال علم بره میگن: اونایی که خوندن و یاد گرفتند چی شدند!

۵. شب و روز به فکر اینند که برن بازار و بخرنند و بخورند و...

۶. ههمش مثل مگس که رو نجاست می نشینه و دنبال پیدا کردن عیب دیگران و تخریب با آن عیب و سرزنش و غیبت اوهستند.

۷. اگر کسی به آنها عیشون رو بگه آسمان و زمین رو به هم می دوزند و طرف را به باد فحش و ناسزا می کشند.

به خدا پناه می بریم از چنین خانواده ای!!!

جار نزن

کاری رو تصمیم می گیری که انجامش بدی.

شروع می کنی ولی....

وسط کار همه چی خراب میشه....

با خودت میگی:

نکنه منو بستن یا کسی سحرم کرده....

بینید:

شما سحر نشدید شما فقط زودتر همه چی رو به همه گفتید.

امام جواد علیه السلام فرمود:

"اظهار الشيء قبل ان يستحکم مفسده له."

آشکار کردن (جار زدن) چیزی قبل از محکم شدنش، باعث نابودی آن می شود.

پس:

صبور باش!

کارت رو بکن!

وقتی به نتیجه رسیدی اونوقت به دیگران بگو.

البته آگه نگی خودشون بفهمند بهتره!!!

اهمیت پژوهش

پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم -:

«المؤمن اذا مات و ترک ورقه واحده عليها علم تکون تلك الورقة يوم القيامة سترًا فيما بينه و بين النار و أعطاه الله تبارک و تعالی بكل حرف مكتوب عليها مدينةً أوسع من الدنيا سبع مرات.»

«مؤمن چون از دنیا رود و برگه ای حاوی دانش از خود بر جای نهد، این برگه در روز رستخیز، میان او و آتش دوزخ پرده ای شود. و خدای خجسته و بزرگ برای هر حرفی که بر آن برگه نوشته شده باشد، شهری به فراخانگی هفت گیتی به وی بخشد.»

بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۴۴

حکم بخشش خمس

مقلیدین مراجع عظام موظف هستند وجوهات شرعیه خود را یا به مرجع تقلیدشان و یا وکلای ایشان در امور حسبه که تصریح به وکالت ایشان شده و اذن کتبی و یا شفاهی معتبر دارند، پرداخت کنند.

وکلا وظیفه دارند این وجوهات را به دفتر مرجع تحویل دهند و فقط می توانند طبق سهمی که اذن از مرجع دارند (مثل یک چهارم، یک سوم و یا یک دوم) در مصارف شرعی، خرج نمایند لذا خرج وجوهاتی که مقلدین می پردازند در غیر موارد یاد شده جایز نیست و در صورت علم مقلد به این که وکیل درست خرج نمی کند، برئ الذمه نخواهد بود.

آیا وکلای مرجع تقلید می توانند خمس را ببخشند؟

آیا وکلای مرجع باید قبض مرجع را به خمس دهندگان بدهند؟

در خصوص سؤالات یاد شده چند استفتاء تقدیم می گردد:

سؤال ۲۶۵: آیا وکلای حضرتعالی یا اشخاصی که وکیل در اخذ حقوق شرعی نیستند، مکلف به دادن قبض رسید سهمین به پرداخت کنندگان آن هستند یا خیر؟

ج) کسانی که حقوق شرعی خود را به وکلای محترم ما یا به اشخاص دیگر به قصد وصول به دفتر ما می دهند، از آنها قبضی را که دارای مهر ما می باشد، مطالبه کنند.

سؤال ۲۶۶: در چه مواردی بخشیدن خمس به کسی که آن را می دهد، جایز است؟

ج) سهم مبارک امام (علیه السلام) و سهم سادات، قابل بخشش نیست [۱].

توضیح:

در خصوص این پاسخ مسئولین بخش وجوهات دفتر مقام معظم رهبری تصریح دارند که هیچ کدام از وکلای معظم له حق بخشیدن خمس ولو به واسطه های روحانی ندارند. نهایت به اندازه اذنی که دارند مثل یک سوم، می توانند به واسطه ها مبلغی را پرداخت کنند.

سؤال ۲۲۷: محضر مبارک یگانه رهبر مجاهد و فداکار اسلام، حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی، دام ظلّه العالی علی رؤوس المسلمین

محرماً؛ به عرض مبارک می رساند که اشخاصی هستند پول سهم امام علیه السلام را جمع می کنند و بعضی از آن ها وکالت نامه از حضرت عالی دارند و بعضی وکیل از وکیل هستند و عده ای هم وکالت نامه ندارند و می گیرند و رسید پول سهم امام علیه السلام را نمی آورند، آیا به این اشخاص، پول سهم امام علیه السلام را بدهند یا خیر؟ و آن مقدار که به این گونه اشخاص داده اند ذمه آن ها بری است یا خیر؟

ج) بسمه تعالی، به کسانی که وکالت از این جانب ندارند وجوه شرعیه ندهند و اگر دادند بری الذمه نمی شوند و به کسانی که وکالت دارند، بدهند و قبض رسید مطالبه کنند؛ اگر قبض رسید این جانب را ارائه ندادند، وجوهی که دادند، مطالبه از آن ها کنند و پس از آن به آن ها وجوه ندهند که بری الذمه نمی شوند [۲].

[۱]- استفتائات مقام معظم رهبری مد ظلّه

[۲]- استفتائات امام خمینی رحمه الله

زنده زنده سوخت... ولی آخ نگفت

شهید آوینی:

حسین خرازی نشست ترک موتورم.

بین راه، به یک نفربر پی ام پی، برخوردیم که در آتش می سوخت.

فهمیدیم یک بسیجی داخل نفربر گرفتار شده و دارد زنده زنده می سوزد!

من و حسین آقا هم برای نجات آن بنده ی خدا با بقیه همراه شدیم.

گونی سنگرها را برمی داشتیم و از همان دو سه متری، می پاشیدیم روی آتش!

جالب این بود که آن عزیز گرفتار شده، با این که داشت می سوخت، اصلا ضجه و ناله نمی زد!

و همین پدر همه ی ما را درآورده بود!

بلند بلند فریاد می زد:

خدایا!

الان پاهام داره می سوزه!

می خوام اون ور ثابت قدم کنی!

خدایا!

الان سینه ام داره می سوزه!

این سوزش به سوزش سینه ی حضرت زهرا نمی رسه!

خدایا!

الان دست هام سوخت!

می خوام تو اون دنیا دست هام رو طرف تو دراز کنم!

می خوام دست هام گناه کار باشه!

خدایا!

صورتم داره می سوزه!

این سوزش برای امام زمانه!

برای ولایت!

اولین بار حضرت زهرا این طوری برای ولایت سوخت!

آتش که به سرش رسید، گفت:

خدایا! دیگه طاقت ندارم،

دیگه نمی تونم،

دارم تموم می کنم.

لااله الا الله...

خدایا!

خودت شاهد باش!

خودت شهادت بده آخ نگفتم!

آن لحظه که جمجمه اش ترکید، من دوست داشتم خاک گونی ها را روی سرم بریزم!

بقیه هم اوضاعشان به هم ریخت.

حال حسین آقا از همه بدتر بود. دو زانویش را بغل کرده بود و های های گریه می کرد و می گفت:

خدایا!

ما جواب اینا را چه جوری بدیم؟

ما فرمانده ایناییم؟

این کجا و ما کجا؟

اون دنیا خدا ما رو نکه نمی داره بگه جواب اینا رو چی می دی؟

زیر بغلش را گرفتم و بلند کردم و هر طوری بود راه افتادیم.

تمام مسیر را، پشت موتور، سرش را گذاشت روی شانه ی من و آن قدر گریه کرد که پیراهن و حتی زیر پوشم خیس اشک شد.

امروز زنده نگه داشتن یاد شهدا کمتر از شهادت نیست

التماس دعا



می خوای روزیت زیاد بشه

خیلی از ماها دوست داریم از روزی زیادی بر خوردار شویم و در مسیر زندگی به لحاظ مالی و اقتصادی مشکل نداشته باشیم.

روزی حلال لطفی است که از ناحیه خدای مهربان شامل بنده مؤمنش می شود. برای اینکه روزی زیاد شود، حتما باید ظرفیت پذیرش این لطف در خود ایجاد کنیم.

برخی از اعمال ساده در ظرفیت زایی روزی تاثیر شگرفی دارد. به این دستور العمل امیر المؤمنین علیه السلام عمل کنیم:

مرحوم شیخ صدوق رحمه الله در کتاب الخصال به نقل از سعید بن علاقه - شنیدم که امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب علیه السلام، می فرمود:

... سپس، آیا به شما خبر ندهم که چه چیز، روزی را می افزایشد؟ گفتند: چرا، ای امیر مؤمنان!

فرمود:

۱- دو نماز را با هم خواندن، روزی را می افزایشد.

۲- تعقیب خواندن بعد از نماز صبح و عصر، روزی را می افزایشد.

۳- صلوات بر محمد و آل او، روزی را می افزایشد.

۴- چارو کردن درگاه خانه، روزی را می افزایشد.

۵- کمک مالی کردن به برادر ایمانی، روزی را می افزایشد.

۶- صبح زود در پی روزی رفتن، روزی را می افزایشد.

۷- استغفار، روزی را می افزایشد.

۸- امانتداری، روزی را می افزایشد.

۹- گفتن حق، روزی را می افزایشد.

۱۰- پاسخ دادن به مؤذن، روزی را می افزایشد.

۱۱- حرف نزدن در خلا (دستشویی)، روزی را می افزایشد.

۱۲- حرص نداشتن، روزی را می افزایشد.

۱۳- سپاس گزاری از صاحب نعمت، روزی را می افزایشد.

۱۴- پرهیز از سوگند خوردن دروغ، روزی را می افزایشد.

۱۵- وضو گرفتن پیش از غذا، روزی را می افزایشد.

۱۶- خوردن آنچه از سفره می ریزد، روزی را می افزایشد.

۱۷- هر کس هر روز، خدا را سی بار تسبیح [۲] کند، خداوند، هفتاد گونه بلا را از او می گرداند، که ساده ترین آنها، تهی دستی است.

[۱]- الخصال : ص ۵۰۵ ح ۲ ، مشکاة الأنوار : ص ۲۳۰ ح ۶۵۰ ، جامع الأخبار : ص ۲۴۳ ح ۹۵۳ ، روضة الواعظین : ص ۴۹۹ و فیه «کسح القادورات» بدل «کسح الفنا» بحار الأنوار : ج ۶ ص ۳۱۴ ح ۱.

[۲]- یعنی سی بار بگوید: سبحان الله